

همه راهها به سی. دی. رم ختم نمی شود ایفلا ۱۹۹۵، ترکیه

پوری سلطانی^۱

ایفلا سازمانی مستقل و غیردولتی است که در سال ۱۹۲۷ تأسیس شد. هدف آن به اختصار عبارت است از اعتلای تفاهم جهانی، ایجاد همکاری، بحث و گفتگو، تحقیق و گسترش همه جنبه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی. دفتر مرکزی ایفلا در هیگ (هلند) است و اکنون دارای ۱۳۲۴ عضو از ۱۳۷ کشور است. ایفلا امور خود را در سازمانی که دارای ۳۲ بخش و ۱۴ میزگرد است تحت رهبری هشت قسمت، اداره می‌کند و دارای ۵ برنامه اصلی است.

ترکیه از طریق کتابخانه ملی کشورش از سال ۱۹۵۰ با ایفلا آشنا شد و تا مدتها به صورت غیرعضو در کنفرانسها شرکت می‌کرد. از عضویت رسمی ترکیه در ایفلا بیش از ده سال نمی‌گذرد. در سال ۱۹۸۹ هیات اجرایی ایفلا با درخواست ترکیه مبنی بر برگزاری شصت و یکمین اجلاس سالانه ایفلا در استانبول موافقت کرد.

به استثنای جلسه افتتاحیه و اختتامیه که در مرکز فرهنگی آتاتورک واقع در میدان تقسیم برگزار شد، محل اصلی کنفرانس در سویس هتل بسفر بود. برخی از جلسات نیز در نزدیکی سویس هتل در هتل پارک هیلتون برگزار می‌شد.

استانبول با آثار تاریخی بی‌شمارش به نحوی بین آسیا و اروپا قرار گرفته که وابستگی اش به هر یک قابل قبول است. زمینه موضوعی کنفرانس کتابخانه‌های آیند بود. بدیهی است که در چنین زمینه‌ای سخنرانها گرد مسائلی مثل: انقلاب اطلاعاتی، شاخصهای ارائه اطلاعات،

۱. عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پیاوندهای الکترونیکی، کتابخانه‌های چندرسانه‌ای، مدیریت تغییر، و کتابخانه‌های حقیقت مجازی دور می‌زد.

امسال یکی از پرجمعیت‌ترین و بزرگترین کنفرانسهای ایفلا در ترکیه شکل گرفت. ۲۳۹۰ نفر از ۱۳۰ کشور در آن شرکت کرده بودند. تعداد ایرانیان شرکت کننده نیز، اگر اشتباه نکنم کلاً به ۲۰ تن می‌رسید. کتابخانه ملی چهار نفر را به کنفرانس اعزام کرده بود و حدود ۵ تن از کارمندان کتابخانه نیز با خرج خود شرکت کرده بودند. حضور تعداد زیادی از جوانان در میان شرکت کنندگان امسال کاملاً چشمگیر بود. جوانترین شرکت کننده، نابینای ۱۵ ساله‌ای به نام ایریند کوندسن^۱ بود که خود جزو گردانندگان بخش کتابخانه‌های نابینایان فعالیت می‌کرد کتابهای الکترونیک برای نقصهای دیداری، پروژه نوژ^۲ عنوان مورد بحث در جلسه امسال بخش کتابخانه‌های نابینایان بود. آقای نودزن علاوه بر اینکه جزو خوانندگان کتابهای الکترونیک است، خود نیز داستانهای اسرارآمیز می‌نویسد. دختر جوانی نیز از دانشجویان کتابداری ترکیه در بخش مقالات اهدایی^۳ ایفلا سخنرانی داشت. ایفلا مدتی است که شرکت کتابداران جوان را در سخنرانیها و نشستهای خود تبلیغ و تشویق می‌کند.

از بابل تا کتابخانه فضایی^۴ موضوع سخنرانی سخنران مدعو امسال، آقای طلعت هلمان^۵ بود. فکر نمی‌کنم تاکنون چنین سخنران مقتدری با این معلومات عمومی گسترده و این همه استعداد در بازی با کلمات و آن قدر خوش بیان دیده باشم. این پروفیسور شاعر گویا سالها پیش وزیر فرهنگ ترکیه بوده است و اکنون حدود بیست و پنج سال است که مقیم کشور آمریکا و مدرس دانشگاههای آنجاست. امکان ندارد بتوان سخنرانی او را ترجمه کرد. خودش به حال مترجمهایی که باید کار ترجمه همزمان را به زبانهای فرانسه، روسی، آلمانی و اسپانیایی انجام می‌دادند دلسوزی می‌کرد. خوشبختانه خودش به زبان انگلیسی سخنرانی می‌کرد. فکر نمی‌کنم کسانی که انگلیسی نمی‌دانستند، توانسته باشند از راه ترجمه به زیبایی و پرباری سخنرانی او پی برده باشند. با سخنانش که پر از طنزهای ادبی، لطیفه‌های مناسب و اشارات بجا بود می‌خواست تصویری از آینده تکنولوژیک زده را در برابر چشمان ما بگشاید. او می‌گفت ما دیگر نخواهیم توانست کتاب به دست به رختخواب برویم و بخوابیم. این تجربه شریف و دوست داشتنی قرون گذشته دیگر دست نخواهد داد. آیا اکنون در آینده نزدیک باید کل کتابخانه ملی را به

1. Eirind Knudsen

2. Electronic Books for the Visually Impaired

3. Contributed papers

4. From Babylon to Libre-Space

5. Talat Halman

رختخواب ببریم؟ چه وقیح! نترسید، بعد از قرن‌ها خدمت در دومین شغل شریف جهان، کتابداران در آبر بزرگراه‌های اطلاعاتی جهان زیادی و سربار نخواهند بود، بلکه احتمالاً به نگهبانان بزرگراه‌ها تبدیل خواهند شد. به همین ترتیب کرم کتاب جای خود را به Bug خواهد داد و موشهایی از نوع جدید به جان کتابها می‌افتند.

او همچنین تأسف خورد که در ترکیه که ۸۰ درصد مردمش باسوادند، کتاب خوانده نمی‌شود، و تیراژ مجله‌ها و روزنامه‌ها از ۲۵ سال پیش تاکنون تغییری نکرده است و حال آنکه ۹۹ درصد مردم ترکیه مسلمانند و پیغمبر اسلام (ص) گفته است که یک لحظه کسب دانش از راه کتاب و کتابت از شصت سال عبادت برتر است.

او تأکید کرد که تکنولوژی اطلاعات یک وسیله است و همه راهها به سی. دی. رم ختم نمی‌شود. ملتی که نمی‌خواند جاهل باقی خواهد ماند، و جهالت فروکش نمی‌کند. ما باید از سیبر فضا^۱ برای بیرون کشیدن خود از جهنم به بهشت که همان "دانایی" است استفاده کنیم. به هر حال سخنرانی بسیار جالب و ارزنده‌ای بود که متأسفانه متن کامل آن در سخنرانیهای چاپ شده موجود نیست والا مسلماً به ترجمه‌اش، هرچند مشکل، می‌ارزید.

سخنرانی آقای وج ورث^۲ رئیس ایفلا نیز حاوی مطالب آموزنده‌ای بود. او تحت عنوان ماورای مرزهای زمان و مکان^۳ از خط مشی ایفلا و قدمهایی که باید در آینده بردارد و برنامه‌های مربوط به جهان سوم که نمی‌تواند همپای کشورهای پیشرفته از تکنولوژی برتر اطلاعات استفاده کند، سخن گفت. از تحولی که در جامعه جهانی پیش می‌آید و اینکه در بیست سال گذشته بانکهای اطلاعاتی از ۳۰۰ به ۹۰۰۰ بانک رسیده است و اینکه قیمت نشر الکترونیکی در آمریکا دو برابر قیمت نشر سنتی (چاپ) است. از دل مشغولی نویسندگان و دارندگان حق تألیف در قبال اطلاعات الکترونیکی صحبت کرد و لزوم تدوین قوانین و مجوزهای خاص این موارد را یادآور شد. او گفت چشمگیرترین تحول جامعه کتابداری ما حرکت کتابخانه‌ها به سوی تکنولوژی نوین است که شبکه‌های بین‌المللی کامپیوتر و امکان ارتباط از راه دور بدان سرعت غیرقابل توصیفی بخشیده است؛ و نگرانی خود را از اینکه اینترنت با همه گستردگی، در کشورهای جهان سوم چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بیان کرد و افزود که رشد شبکه به ترتیب در کشورهای زیر دیده می‌شود: آرژانتین، ایران، پرو، مصر، فیلیپین، روسیه،

1. Cyberspace

2. Wedgeworth

3. Beyond the Limits of Space and Time

اسلووانی و اندونزی. حدود ۳۵ درصد پرازنده‌های میزبان^۱ در خارج از آمریکا قرار دارند. رئیس ایفلا با نقل قول از رئیس سابق کتابخانه کنگره گفت جهان دانش غیرقابل تفکیک است. دانش و فرهنگ، و فرهنگ کتاب ممکن است بر حسب زبان، سنت یا نهضت‌های تاریخی قابل تفکیک باشند ولی آنها در مرزهای ملی، در بند نمی‌مانند. علم برای سفر به کشورهای دیگر نه از کشور خود نیاز به گذرنامه دارد و نه از کشورهای دیگر نیاز به ویزا. در دنیای فرهنگ همه مرزها مصنوعی‌اند و ناگزیر فرو خواهند ریخت.

آقای وج ورث سخنان خود را با این بیانیه خاتمه داد که: کوشش ما برای زنده و پویا نگه‌داشتن کتابخانه‌ها و کتابداری در جهت امور مالی و تکنولوژی نیست. بلکه به خاطر حفظ ارزشهای آن است. ما باید قادر باشیم دولتها، و رؤسای نهادهای تجاری، آموزشی، مذهبی و مدنی را متقاعد سازیم که کتابخانه‌ها به منزله تشکیلات آموزشی الهام‌بخش و مشوق دانش‌اندوزی هستند، که کتابخانه‌ها به منزله آژانسهای بازبایی اطلاعات می‌توانند کیفیت تصمیم‌گیری را بالا ببرند، که کتابخانه‌ها به‌طور قابل توجهی می‌توانند کیفیت زیستن را در تمام دوران زندگی بهبود بخشند.

وقتی جلسه افتتاحیه تمام و جلسات اصلی ایفلا تشکیل می‌شود، انتخاب شرکت در آنها بسیار مشکل جلوه می‌کند، بخصوص اگر شخصی خود مسئولیتی در ایفلا داشته باشد، یا عضو کمیته‌ای باشد. عضویت در کمیته رده‌بندی و نمایه‌سازی مرا ناگزیر از شرکت در جلسات بسته و عمومی آن می‌ساخت؛ و کارکردن در گروه کار مربوط به اصول تدوین سرعنوانهای موضوعی تقریباً اکثر اوقات مرا پر می‌کرد و در نتیجه حسرت استفاده از سخنرانیایی را که بیشتر مایل به شنیدنش بودم به دلم باز می‌گذاشت. برخی از عناوین سخنرانیها واقعاً و سوسه‌انگیز بود: روزآمد کردن یک کتابخانه متروک، کتابخانه حقیقت مجازی در زندان، کتابخانه‌های ستیاری در ایر بزرگراه اطلاعاتی، قدیمی‌ترین فهرستهای کتابخانه‌های عثمانی، بوسه و زیبای خفته. مشکل کنفرانسهای ایفلا همیشه همین غنا و تعدد سخنرانیها و جلسات پرتنوع است که همزمان تشکیل می‌شود و راه انتخاب را بر آدمی می‌بندد. بگذریم که در کنار آن نمایشگاه، دیدار دوستان قدیمی، حوادث فرهنگی، مهمانیها، بازدیدهای تاریخی و خرید هم رقابت می‌کند. جلسات بدون توقف یکی پس از دیگری از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعدازظهر در جریان است و آدمی باید خیلی زرننگ باشد که بتواند بین آنها ساعتی را برای غذا خوردن بیابد. از این گذشته امسال خودم باید علاوه بر

کارهای دیگر دو سخنرانی ایراد می‌کردم. یکی در جلسات عمومی کمیته دائمی رده‌بندی و نمایه‌سازی تحت عنوان گسترشها و ترجمه‌های رده‌بندیهای دیوئی و کنگره در ایران و کشورهای عربی و دیگری با عنوان کتابخانه در خدمت عموم یا در انحصار آشنایان به کامپیوتر^۱. اینها نیز خود دغدغه‌خاطری بود که استفاده از سخنرانیهای جالبتر را تحت تأثیر قرار می‌داد. هیچ‌کدام از سخنرانیها آن‌گونه که انتظار داشتم اجرا نشد. اولی در پارک هتل نزدیک محل اصلی کنفرانس برگزار شد و در نتیجه خیلی‌ها آنجا را پیدا نکردند و جمعیت آن‌گونه که انتظار می‌رفت نبود. حتی از شرکت‌کنندگان ایرانی هم به جز دو سه نفر نیامده بودند. سخنرانی دوم را انگار به زور در بین سخنرانیهای رسمی ایفلا به نام مقالات اهدایی که توسط ایفلا برگزیده می‌شود چپانده بودند. حق هم داشتند، زیرا که آن را دیرتر از موعد مقرر داده بودم. تعداد سخنرانیها برای مدت برگزیده شده بسیار زیاد بود و من آخرین سخنران بودم. سخنرانیهای قبل از من از وقت تعیین شده تجاوز کردند و در نتیجه برای من بیش از ده دقیقه باقی نماند. اما سالن بزرگ و جمعیت بسیار بود. لذا با حذف قسمت زیادی از نوشته‌هایم، سخنرانی را با عجله به اتمام رساندم. به هر حال هر دو سخنرانی من در جزوه‌های ایفلا ۱۹۹۵ چاپ شده بود و شاید به همین دلیل اغلب آن را خوانده بودند و بعدها بسیاری بخصوص سخنرانی دوم را ستودند و از فنلاند و یکی دو کشور دیگر نامه‌هایی دریافت کردم که کسب اجازه برای ترجمه کرده بودند. اخیراً نیز مجله اینترنتشال کاتالوگینگ^۲ وابسته به کنترل جهانی کتابشناختی و مارک بین‌المللی^۳ نوشت که سخنرانی مربوط به رده‌بندیها را عیناً چاپ خواهد کرد.

بخش رده‌بندی و نمایه‌سازی دارای دو جلسه عمومی و سه جلسه بسته بود. در جلسات عمومی علاوه بر سخنرانی من، دو سخنرانی دیگر نیز اجرا می‌شد. ابتدا خانم لویز از پرتغال درباره عملکرد کمیته در مورد اصول تدوین سرعنوانهای موضوعی صحبت کرد. او به عنوان مقدمه متذکر شد: اصولی که قبول عام بیاید و بتواند به عنوان وسیله‌ای هماهنگ و استاندارد در بازیابیهای موضوعی نظامهای مختلف راهتما باشد، فرسنگها با واقعیت فاصله دارد. این چنین اصولی ممکن است تا حدودی از طریق نظامهای رده‌بندیهای بین‌المللی یا آنها که در اغلب کشورها به‌طور یکسان مورد استفاده است، میسر باشد، اما نمایه‌های موضوعی نوشتاری به علت محدودیتهای زبانی نمی‌توانند وسیله خوبی برای انتقال اطلاعات در کشورهایی که زبان یکسان ندارند باشد. این نارسایی تنها مربوط به جنبه‌های اصطلاح‌شناختی نیست، بلکه

1. Toward "Literate Learners" or Computer Oriented Libraries?

2. International Cataloguing 3. UBCIM

محدودیت‌های زبانشناختی نیز مبحثی است که امروز نظام‌های اطلاعاتی برای زنده ماندن باید بدان جواب بدهند. فقدان امکانات چندزبانی در نظام‌های کتابشناختی در نتیجه استفاده بین‌المللی از یکی دو زبان، به سکوت برگزار شده است. این امر ممکن است در رشته‌هایی مثل علوم و تکنولوژی مشکلی ایجاد نکند، ولی مسلماً در زمینه علوم اجتماعی و علوم انسانی کارساز نیست. چرا که در این زمینه‌ها هر یک از زبانها خود ذخیره سرشاری از منابع مربوط به مناطق محلی را دارند.

جنبه‌های درونی نظام‌های اطلاعاتی نیز انتقال اطلاعات را مشکل می‌کند، زیرا که فرایند تحلیل محتوایی غالباً انتزاعی است و اختیارات و تمهیدات زبان کنترل شده در هر نظام نیز همین‌گونه است. علاوه بر همه اینها مفهوم موضوع و پایه‌های مفهومی یک فهرست موضوعی نیز امری انتزاعی است.

هر یک از نظام‌های سرعنوان‌های موضوعی دارای تاریخچه‌ای جدا هستند و برای مفهوم مورد نظر بنا بر وسیله بازبایی کنترل شده خود، شکل‌های گوناگونی را به کار می‌برند. با این همه درست است که یافتن راه حل مناسبی که مقبولیت بین‌المللی داشته باشد و بتواند پاسخگوی مسئله اصطلاح‌شناسی و محدودیت‌های زبانی باشد، ممکن نیست، ولی به هر جهت باید بتوان به یک تفاهم بین‌المللی در مورد پایه‌های مفهومی نظام‌های بازبایی در سرعنوان‌های موضوعی الفبایی دست یافت. بدین منظور گروه کار اصول سرعنوان‌های موضوعی کار خود را در سال پیش آغاز کرد. ابتدا سعی شد اصول بسیار کلی و عام که باید نظام بازبایی موضوعی بر آن استوار باشد، تدوین شود. پس از انجام این کار سرعنوان‌های موضوعی موجود در چند کشور بر مبنای این اصول مورد بررسی قرار گرفت تا حدود شمول هر یک از آنها بر اصول تعیین شده و استفاده عملی آنها مشخص شود.

به هر حال آنچه مسلم است تهیه اصول کلی که در سطح بین‌المللی قبول عام یافته باشد عملی و امکان‌پذیر است و این چیزی است که ما بدان دست یافته‌ایم. اما سازمان‌دهی دانش بشری برای بازبایی اطلاعات از راه شیوه‌های کنترل شده امری چندرشته‌ای است و چیزی نیست که بتوان با ساختن و به کار بردن واژه‌های کنترل شده به آن خاتمه داد. این امر باید از نظر تئوری سیستم‌های بازبایی همراه با مهارت‌های مدیران اجرایی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

خانم گلبن بایدور^۱ سخنران بعدی بود که مسئله نمایه‌سازی در ترکیه را مطرح کرد. او گفت پایه سرعنوان موضوعی در کتابخانه‌های ترکیه، سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره است. در

کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی سرعنوان موضوعی کنگره بر حسب نیاز به ترکی ترجمه می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در موارد ضروری که به ترکیه ارتباط دارد طبعاً گسترشها و اضافاتی انجام می‌گیرد.

استفاده از سرعنوان موضوعی کنگره از سال ۱۹۶۰ در دانشگاه حاجت تپه^۱ آغاز شد و برای آن برگه مستند موضوعی با کلیه ارجاعهای لازم از فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی تنظیم گردید. در کتابخانه‌های پزشکی نیز به همین ترتیب از سرعنوانهای موضوعی مش^۲ استفاده می‌شود. با این همه هنوز سرعنوان چاپ شده همگانی در کشور وجود ندارد. استفاده از سرعنوان موضوعی خارجی به دلایل زیر گهگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱. از نظر اصطلاح‌شناسی، سرعنوان موضوعی کنگره، موضوعها و مفاهیم مورد نیاز ترکیه را ندارد. از طرفی ضمن ترجمه گاه نام علمی و گاه نام عامیانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. از نظر ساختاری، ساختار پیچیده موضوع اصلی و موضوعهای فرعی در کتابخانه کنگره برای خواننده معمولی مشکل‌آفرین است، و نیز کتابدار متخصص را در امر برگه‌آرایی با مشکل روبه‌رو می‌کند.

۳. از نظر ترجمه، برگرداندن هر سرعنوان برای انجام امور نمایه‌سازی به کوشش خستگی‌ناپذیر و نیروی انسانی متبحر و زمان بسیار نیازمند است. تکرار ترجمه در کتابخانه‌های مختلف نیز همواره مورد انتقاد قرار گرفته است.

کتابخانه‌های اختصاصی معمولاً از این سرعنوان استفاده نمی‌کنند، بلکه برای کتابخانه خود سرعنوانهای اختصاصی درست کرده‌اند که غالباً کنترل شده است. مثلاً اتاق بازرگانی استانبول سرعنوان موضوعی خاص خود را تهیه کرده است. در برخی کتابخانه‌ها که به کامپیوتر مجهز شده است نمایه‌سازی غیرکنترل شده براساس کلید واژه‌های عنوان آغاز شده است. همچنین نمایه‌سازی که پایگاههای اطلاعاتی کتابشناختی برای مقاله‌ها و سخنرانیها درست می‌کنند به دستیابی چندبعدی موضوعی برای هر یک از موضوعهای تخصصی اقدام کرده‌اند، زیرا معتقدند که با سرعنوانهای موضوعی کلی بیش از یکی دو سرعنوان نمی‌توان برگزید. بدین ترتیب شاید استفاده از اصطلاحنامه‌های (تزاروسها) مناسبتر از سرعنوان موضوعی باشد.

شورای پژوهشهای علمی و فنی ترکیه (توبی‌تاک)^۳ از سال ۱۹۹۲ با خدمات نمایه‌سازی خود اقدام به تهیه پایگاههای گوناگون کتابشناختی کرده است. از آن جمله است پایگاه ملی علمی و فنی که در زمینه‌های تکنولوژی، کشاورزی، جنگلداری، دامپزشکی، جانورشناسی و

مدیریت فعالیت می‌کند. این پایگاهها شامل اطلاعات کتابشناختی مقالات، سخنرانیهای کنفرانسها و گردهماییها و گزارشهای علمی و فنی در زبان ترکی و سایر زبانهاست.

نمایه‌سازی در این پایگاهها از طریق واژه‌های ترکی و انگلیسی انجام می‌گیرد و مبتنی بر اصطلاحنامه ژاپنی است.^۱ کنترل نمایه‌سازی نیز از طریق همین اصطلاحنامه انجام می‌گیرد. انجام و یکدستی نمایه‌سازی آزاد توسط گروه متخصصان این شورا کنترل می‌شود. امید می‌رود که در آینده اصطلاحنامه توبی تاکی از این طریق به وجود آید.

به هر حال وضعیت نمایه‌سازی موضوعی در ترکیه در حال انتقال به سر می‌برد. زیرا که مسئله ماشینی شدن، معیارهای جدیدی را بر کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تحمیل کرده است. هنوز بر سر مشکل زبان که مبادلات اطلاعاتی بین‌المللی را مختل می‌کند بحثهای بسیار وجود دارد. برای پیشرفت و تداوم کار نمایه‌سازی موضوعی باید نمایه‌ها و رده‌بندیها همواره روزآمد و پویا نگه‌داشته شود. ترجمهٔ دیوئی ۲۰ به زبان ترکی که اخیراً انجام شده است، قدمی است در این راه. فقدان بخش حقوق ترکیه در نظام رده‌بندی کنگره یکی دیگر از مشکلاتی است که باید بدان رسید.

از وضعیت نمایه‌سازی موضوعی در ترکیه سخن گفتیم، بد نیست بدانیم که در ترکیه ۱۱۸۴ کتابخانهٔ عمومی و ۷۷ کتابخانهٔ سیار که در خدمت روستاهای دوردست است وجود دارد. همهٔ کتابخانه‌های عمومی دارای بخش کودکان نیز هستند. از کتابخانه‌های عمومی به عنوان کتابخانه‌های مدارس نیز استفاده می‌شود. کل مجموعه کتابخانه‌های عمومی را ۲۳۰۲۹۴۰۰ جلد برشمرده‌اند. از این مجموعه سالانه تعداد ۲۳۰۲۵۹۰۵۹۷ نفر استفاده کرده‌اند. جمع کل کارمندان کتابخانه‌های عمومی ترکیه ۳۵۰۹ نفر است که ۵۰۳ نفر آنها کتابدار متخصص‌اند، که از آن میان ۷۴ نفر دارای سمتهای مدیریت از قبیل رئیس یا معاون هستند. عضویت در کتابخانه‌های عمومی رایگان است. از سال ۱۹۹۲ تغییرات چشمگیری در خدمات کتابخانه‌های عمومی پدید آمد. تعدادی از کتابخانه‌ها برای اجرای طرح جدید انتخاب شدند. نظام رده‌بندی کتابهای کتابخانه عمومی رده‌بندی ده‌دهمی دیوئی است. کل رده‌بندی دیوئی ویرایش ۲۰ به ترکی ترجمه شده است. کتابخانه‌ها جملگی دارای ففسه باز هستند.

در ترکیه از سال ۱۹۸۷ شماره استاندارد بین‌المللی کتاب^۲ آغاز شد و به دنبال آن در سال

1. Japan Information Center of Science and Technology Thesaurus (JICST)

2. ISBN

۱۹۹۲ مرکز شماره استاندارد بین‌المللی پیایندها^۱ نیز تأسیس گردید.

کتابخانه‌های مدارس رشد چندانی ندارد. ترکیه دارای ۷۵،۲۰۰ مدرسه است که ۱۴،۲۷۵،۲۸۱ دانش‌آموز در آنها به تحصیل اشتغال دارند. گرچه اغلب مدارس دارای کتابخانه است ولی تعداد کمی از آنها را می‌توان به عنوان کتابخانه خوب مدرسه‌ای نام برد. همان‌گونه که گفته شد، کتابخانه‌های عمومی بیشتر ارائه خدمات به مدارس را به عهده دارند.

کتابخانه‌های تخصصی ترکیه دارای درجات مختلف است. حدود ۳۸۰ کتابخانه تخصصی که از نظر کیفیت و کمیت در مراتب گوناگون در ترکیه وجود دارد. مهم‌ترین آنها عبارت است از کتابخانه انجمن تاریخ در آنکارا، کتابخانه اتاق بازرگانی در استانبول، کتابخانه سازمان برنامه در آنکارا، کتابخانه مؤسسه تحقیقات علمی و صنعتی مرمره و کتابخانه مرکز تحقیقات هسته‌ای. و البته تورداک^۲ که مرکز اسناد و مدارک ترکیه است.

از قدیمی‌ترین کتابخانه‌هایی که تا این زمان باقی مانده کتابخانه موزه توپ‌کاپی است که در سال ۱۹۲۷ بازسازی شد و مجموعه‌های قسمتهای مختلف از جمله خوابگاه و حرم به این کتابخانه منتقل شد. کتابخانه‌ای که در سال ۱۷۱۹ توسط سلطان احمد در مسجد آبی بنا شده بود نیز در سال ۱۹۶۶ به کاخ توپ‌کاپی منتقل شد. این کتابخانه دارای کتابهای بسیار نفیس و زیبا، نسخ خطی و محفظه‌های مخصوص نگهداری طومارها و وسایل خوشنویسی است.

موزه باستان‌شناسی که درون کاخ توپ‌کاپی ساخته شده است توسط سلطان حمید بیک عثمانی بنا شد. کتابخانه آن کمی بعد تأسیس گردید و کتابهای شرقی و غربی در آن جداگانه رده‌بندی می‌شد. در سال ۱۹۴۷ این کتابها در هم ادغام گردید. این کتابخانه نیز دارای نسخ خطی بسیار نفیس و آثاری روی پاپیروس، سنگ نبشته و خشتهای گلی است. کتابخانه را سالی دو بار غبارروبی می‌کنند ولی سایر امکانات حفاظتی در آن رعایت نمی‌شود. در همان مجموعه سلطان احمد، یک کتابخانه دانشگاهی وجود دارد که دارای ۱۲۰ هزار جلد کتاب است. گفته می‌شود که آثار هومر که با آب طلا روی روده اژدها نوشته شده در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

ترکیه به یکی دو فهرست قدیمی که گفته می‌شود مربوط به کتابخانه کاخ سلطان بایزید دوم، دیگر فهرستی که توسط حاجی حسن زاده تهیه شده و مقدمه‌ای به عربی دارد، و باز فهرستی که گفته می‌شود توسط شاه چلبی ابن‌الفناری از کتابهای اهدایی سلطان محمد فاتح تهیه شده و مربوط به اوایل تا اواسط قرن ۱۶ است، افتخار می‌کند.

بازگردیم به دوران معاصر و از حرقه کتابداری ترکیه سخن بگوییم. سه دانشکده در ترکیه دوره کتابداری در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا دارد. قدیمی ترین آنها در ۱۹۵۴ افتتاح شد. از این سه دانشکده سالانه حدود ۱۷۰ دانشجوی فارغ التحصیل می شوند. انجمن کتابداران ترکیه در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد. اکنون انجمن ۲۸ شعبه دارد و دارای ۱۱۰۰ عضو است. انجمن کتابداران مجله Turkish Librarianship را منتشر می کند. هفته کتاب هر ساله توسط انجمن کتابداران برنامه ریزی و برگزار می شود. انجمن کتابداران یکی از اعضای کمیته برگزاری ایفلا در ترکیه بود.

بازدیدها و مهمانیها و برنامه های سرگرم کننده شبانه در کنار جلسات پی در پی دوران ایفلا ترکیه را به سرعت سپری کرد و سرانجام جلسه اختتامیه ایفلا سر رسید. در این جلسه که طبق معمول همه شرکت کنندگان حاضر در یک سالن بزرگ دور هم جمع می شوند، ایفلا اعلام کرد که یک کمیته اختصاصی به منظور بررسی دستیابی به اطلاعات و آزادی بیان تشکیل داده است. ریاست این کمیته را تونی ایوانز^۱ از انگلستان به عهده دارد. گزارش او در ایفلا ۱۹۹۷ در کپنهاک به شورا عرضه خواهد شد. در این جلسه همچنین پیشنهادی تحت عنوان اهمیت آزادی بیان و امکانات دستیابی آزاد به اطلاعات مطرح شد. انجمن کتابداران انگلیس آن را پشتیبانی کرد. با تصویب این پیشنهاد قرار بود مسئله آزادی زندانیان ترکیه نیز از طرف ایفلا خواسته شود. ولی این قسمت مسکوت ماند. پیشنهاد دیگری که در جلسه نهایی به تصویب رسید این بود که از هیئت اجرایی ایفلا خواسته شد با یونسکو مذاکره کند که یک روز را به نام روز بین المللی اطلاعات و کتابخانه ها نام گذاری کند. و بدین گونه ختم نشست سالانه ایفلا در ترکیه اعلام شد.

از آخرین روز اجلاس سالانه ایفلا تا زمان پرواز به تهران سه روز فاصله بود. استانبول معلوم است از آثار تاریخی و بناهای باستانی که می توان ماهها در آن غور کرد. و من به علت درگیری ام در امور فنی مربوط به کمیته رده بندی و نمایه سازی از دیدار اکثر آنها محروم مانده بودم. اما چند صد کیلومتر آن طرف تر مزار مولانا بود. مگر می شود به ترکیه آمد و از فیض دیدار این درگاه محروم ماند؟ در معیت سرور ارجمندم آقای مهندس شهرستانی و نیز آقای فدایی عراقی با اتوبوس به زیارت مولانا رفتیم. این زیباترین و دلپذیرترین قسمت سفر ترکیه بود. در اتوبوس کتاب سماع دریشان آقای علی اصغر تقضلی را می خواندیم. در آنکارا شب را توقف کردیم و به پایمردی کارمندان سفارت ایران در ترکیه توانستیم صبح آن روز از کتابخانه ملی و نیز مرکز اسناد

دولتی ترکیه بازدید کنیم. رئیس کتابخانه ملی خانم آلتینای سرنیکلی^۱ خود رئیس کمیته سازماندهی ایقلا بود و در نتیجه هنوز در استانبول به سر می‌برد. بیشتر کارمندان ارشد کتابخانه نیز هنوز در استانبول بودند. آنها که مانده بودند کمتر انگلیسی می‌دانستند. سرانجام مسئول بخش فهرست‌نویسی نسخ خطی را که به خط قدیم ترکیه (الفبای عربی) است پیدا کردیم که انگلیسی می‌دانست و ما را به قسمتهای مختلف کتابخانه برد و در نقش مترجم با مهربانی بسیار ما را همراهی کرد.

کتابخانه ملی ترکیه به‌طور رسمی در سال ۱۹۴۸ افتتاح شد. در سال ۱۹۸۳ به ساختمان جدید خود در آنکارا منتقل گردید. در دهه ۱۹۹۰ فهرست کتابخانه را کامپیوتری کردند. کتابخانه حدود یک میلیون و پانصد هزار جلد کتاب دارد. از اهم انتشارات کتابخانه کتابشناسی ملی است که از سال ۱۳۳۹ منتشر شد و نیز فهرست مقالات ترکیه از سال ۱۹۵۲ و فهرست انتشارات دولتی است که انتشار آن از سال ۱۹۷۱ آغاز شد. محل دیگری که مورد بازدید قرار گرفت سازمان اسناد ملی ترکیه بود. این سازمان در واقع آرشیو ملی استاد دولتی است که در سال ۱۹۸۸ به ساختمان جدید در آنکارا منتقل شد. این ساختمان مدرن و اختصاصاً برای سازمان اسناد ملی ساخته شده است. خدمات و مجموعه کامپیوتری شده است.

بازدید از این دو سازمان تا پاسی از ظهر گذشته به طول انجامید. بعد از ظهر عازم قونیه شدیم و شب هنگام بدانجا رسیدیم. به هر زحمتی بود هتلی نه چندان دلچسب پیدا کردیم. شبانه آرامگاه مولانا را که نورافشانی شده بود طواف کردیم. آرامگاه را به موزه تبدیل کرده‌اند و در نتیجه در آن وقت شب برای بازدید باز نبود. صبح روز بعد موفق به زیارت شدیم. شهر قونیه چیزی شبیه قم قدیم، با دکه‌ها و دکانهای کوچک در اطراف حرم و همان نماها و کالاهای آشنا از قبیل تسبیح و نبات و نقل و آب‌نیات قیچی و انواع تنقلات و بسیاری کالاهای توریستی از قبیل تندیسهای کوچک و بزرگ درویشان در حال سماع و گلدانها و بشقابها و شمعدانها با نقاشیها و تصاویری نه چندان هنرمندانه و گاه به غایت بازاری از بازگاه مولانا، شمس یا سایر آثار و ابنیه تاریخی شهر قونیه.

قونیه از شهرهای مرکزی ترکیه است و در ۲۴۶ کیلومتری جنوب آنکارا واقع شده است. ترکها آن را کُنیا^۲ می‌نامند. قونیه شهری باستانی است که بیش از یک هزار سال تحت تسلط سومریان و یک هزار سال تحت سلطنت هیثتها بوده است. در دوران هخامنشیان و ساسانیان این شهر تحت تسلط ایرانیان بود، ولی بعدها به دست رومیها افتاد و در قرن پنجم هجری قمری

ترکان سلجوقی بر آن حکومت داشتند.

در اوایل قرن هفتم مولانا به همراه پدرش از بلخ مهاجرت کرد و پس از تشرف به مکه به شهر لارند در شرق ترکیه امروزی رسید. در آن زمان علاءالدین کبچاد سلجوقی بر آن دیار حکومت داشت و از سلطان العلماء، پدر مولانا دعوت کرد که با همراهان به قونیه بیایند. قونیه در آن زمان پایتخت سلجوقیان بود. از آنجا که بلخ در آن زمان گرفتار آشوب مغولان بود، خانواده سلطان العلماء دیگر هرگز به سرزمین خویش بازنگشتند. دو سال بعد پدر دیده از جهان فرو بست و پسر بجای وی نشست.

آرامگاه مولانا در محوطه‌ای به وسعت ۶۵۰۰ متر مربع قرار دارد که شامل سماع‌خانه، مسجد، کتابخانه، حجره‌های درویشان، مطبخ و وضوخانه است. از سال ۱۹۲۵ میلادی مراسم سماع در محوطه آرامگاه ممنوع و تربت مولانا به موزه تبدیل شد. با این همه این بارگاه همچنان زیارتگاه اهل دل است.

سحرگاهان به زیارت تربت مولانا رسیدیم. ابتدا محوطه حیاط ماندنی بود که در وسط آن حوضی و آب‌نمایی وجود داشت. زن و مرد و پیر و جوان در کنار هم، دور این حوض وضو می‌گرفتند. جمعیت زیادی برای دیدار مزار مولانا در حرکت بود. در میان آنها تعداد زیادی توریستهای خارجی نیز به چشم می‌خورد. ساختمان آرامگاه در وسط باغی قرار دارد که محل زندگی مولانا و خانواده‌اش بوده است. بر سر در ورودی آرامگاه نوشته شده است: یا حضرت مولانا و زیر آن، روی قطعه‌ای از سنگ مرمر صورتی این شعر حک شده:

کعبه العشاق باشد این مقام **تلم** هر که ناقص آمد اینجا شد تمام
حال و هوای آن صحن زیبا و شعری این چنین از همان لحظه ورود آدمی را از جسم خود منفک می‌کرد.

داخل تالار جمعیت موج می‌زد، مزارهای متعددی به چشم می‌خورد، به آنها نمی‌شد نزدیک شد. دور آنها را بانرده‌های فلزی مشبک حصار کشیده بودند. عده‌ای که معلوم بود از اهالی محلی هستند با خضوع و خشوعی روحانی، دو زانو رو به مزار مولانا نشسته بودند، دو دست خود را به صورت دعا روی زانوهای خود گذاشته بودند و زیر لب مطالبی را ادا می‌کردند. بین آنها علاوه بر زنان و مردان مسن، دختران و پسران جوان نیز دیده می‌شد. به نظر می‌رسید که مردم ترکیه از مولانا بیشتر به عنوان یک عالم روحانی، یک امام، یک پیشوای مذهبی یاد می‌کنند تا شاعری گرانمایه. این تالار تنها مختص مزار مولانا نبود، بلکه پدر او، سلطان العلماء و سایر خویشان و بسیاری از علما و مریدان بنام مولانا نیز در آنجا مدفون شده‌اند. مقابر همه در صندوق ماندنی که با پارچه پوشانده شده است قرار دارد. بر فراز هر صندوق کلاه و دستار مولویان به چشم

می‌خورد.

تغییر خط باعث شده است که مردم ترکیه به کلی با گذشته خود بیگانه شوند. در جای جای صحن که همه سرپوشیده است و مفروش، جعبه‌های نمایش شیشه‌ای کتاب گذاشته شده بود و درون آنها تعدادی نسخ نفیس از مثنوی و غزلیات شمس تا فیه مافیه و سایر آثار مولانا و نیز دیوان شعرای معروف مثل حافظ و سعدی و غیره قرار داده بودند. دور تا دور اتاقهای تودرتوی مزار پر بود از اشعار مولانا که روی کاشیها و سنگها و یا در قابهای شیشه‌ای نوشته شده بود. اما متأسفانه مردمی که به زیارتگاه می‌آمدند قادر به خواندن آنها نبودند؛ و وقتی آقای شهرستانی یکی از آنها را بلند خواند، توجه حیرت‌انگیز بسیاری از دور و بریها بدیشان جلب شد. یک کلاس مدرسه با آموزگارشان به زیارتگاه آمده بودند و یکی از شاگردان چهارده پانزده ساله که ناظر جریان بود به سرعت به طرف آموزگارش رفت و توجه او را به اینکه کسی دارد اشعار را از پشت شیشه می‌خواند جلب کرد. صورت ناباور و نگاه تعجب‌انگیز او از یاد رفتنی نیست ...

به یاد نصیحت مردی که شب گذشته برای یافتن هتل یازیمان داد افتادیم و به قصد زیارت مزار شمس تبریزی از آرامگاه مولانا خارج شدیم. پس از ده دقیقه پیاده‌روی به مزار شمس رسیدیم. اینجا بزرگ و خلوت بود و دیگر از آن همهمه و شور خبری نبود. مدتی با شمس به خلوت نشستیم و سپس به قصد بازگشت به استانبول راهی سفر شدیم. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی